

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۰۲ جولای ۲۰۱۱

بررسی "غزوات" محمد

۹

اسلام مسیحیت نیست .. اسلام دین خشونت .. انقلاب . خون آزادی و شهادت است. شیخ مرتضی مطهری

قرآن – محمد و نابودی دشمنانش

محمد بعد از این که مدینه را از سر نشینان یهودی خالی و بعد تصرف اموال و دارائی های شان به فکر تسلط کامل بر عیسویان مدینه شد. عیسویان مدینه از نگاه جمعیت و دارائی و ثروت به تناسب یهودی های ساکن آن سر زمین در سطح پائین تری قرار داشتند. محمد بر پایه آیت ۸۲ – ۸۵ و ۸۶ سوره مائده مسیحیان را در قرآن خود خلاف یهودیان در ستکار و بهترین دوست مسلمانان به شمار می آورد. از طرف دیگر یهودیانی که در اطراف و حوالی شبه جزیره عربستان یار و پشتیبانی نداشتند، به شکل منزوی حیات می گذشتاندند ولی مسیحیان خلاف یهودی های منزوی با دیگر مذهبی های مسیحی در تمام عربستان و امپراتوری بیزانتین پیوند های برقرار کرده و همیشه می توانستند از آن ها بهره گیرند؛ اما در اخیر اختلافات دینی و مذهبی محمد را از مسیحیان نیز جدا نمود. مسیحیان به تئوری تثلیث مسیحی ها (پدر پسر و روح القدس) معتقد بودند و اسلام این عقیده را رد می کرد و همچنان اسلام با دید گاه (رهبانیت) که یکی از اصول مسیحیت را تشکیل می دهد مخالف است و مهم تر اینکه محمد آیت ۶ سوره صف را در قرآن آورده که عیسی مسیح گفته است، پس از من پیامبری خواهد آمد که نامش احمد است و می خواست مسیحیان او را همان پیامبری بدانند که نام او را از مسیح در قرآن جعل کرده بود. در حالیکه انجیل در هیچ جای و به هیچ نوعی به چنین موضوعی حتی اشاره ای نکرده است و این هم یکی از دروغ های بزرگ تاریخی محمد است و به همین جهت یعنی دروغ های پشت سر هم بود که یهودیان و مسیحیان هر دو طایفه ادعای رسالت پیامبری محمد را رد می کردند و آموزش های دینی او را مورد تمسخر قرار می دادند. اگر چه محمد ماهیت نوشتار های عهد عتیق و عهد جدید را تأیید می کرد و اسلام را دنباله موسویت و مسیحیت به شمار می آورد ولی

هنگامی که از همکاری یهودیان و مسیحیان در پذیرش آئین نو بنیادش نا امید شد و به این باور رسید که آن‌ها نه تنها پذیرای آئین او نیستند بلکه در برابر او نیز ایستاده‌اند.

از جلب یاری آن‌ها راجع به پیامبری اش دست کشید و با آوردن آیت ۱۲۹ سوره بقره به کیش (حنیف) و یکتا پرستی ابراهیم روی آورد و **دو باره نیرنگ بازی‌های اسلام شروع شد** تا در اغوای مردم دیار دیگر مخصوصاً آنانی که از نگاه فرهنگی و آموزش‌های علمی به عقب نگه‌داشته شده‌اند، نقش تعیین کننده یافته و باعث شعور دزدی مردمان آن سر زمین‌ها گردند.

برای ختم این مسأله و بررسی‌های دیگر از قرآن و محمد و اسلام می‌پردازیم به مفهوم خشونت در اسلام: یکی از علل گسترش سریع اسلام در شبه جزیره عربستان خشونت بی اندازه در قالب مسلمان سازی مردم بوده است جنگ‌های اولی اسلام زمانی آغاز گردید و آن زمانی بود که تعداد زیاد اعراب از دین اسلام و ماجراهای جنایتی آن اطلاعی نداشتند و این اسلام سازی مردم به خاطر حفظ و گسترش منافع یک تعداد مشخص از سرمایه داران عرب بوده و آنها در بر آوردن این مأمول سرمایه گذاری‌های نمودند و هزینه این جنگ‌ها را از جیب خود می‌پر داختند.

از آن جمله کسانی که در این راستا سعی بیدریغ داشتند چند نفری را نام می‌بریم مثل ابو بکر - حمزه - ابو طالب - عثمان و شخص محمد با حمایت ثروت بی پایان خدیجه در رأس این گروه خونخوار قرار داشتند و من جنگ‌های محمد را در نوشته‌های قبلی ام بررسی نموده و دیدیم که این همه جنگ‌ها که به نام غزوات محمد در تاریخ اسلام یاد می‌شود جنبه اقتصادی و چور و چپاول دارائی‌های مردم به نفع گروه‌های چپاول گر بوده است. مثلاً می‌بینیم اولین جنگ محمد (بدر) هنگامی رخ داد که ابوسفیان کاروان بزرگ خود را که مملو از اجناس گوناگون از جمله شراب از شام به مکه می‌برد که تازه مسلمانان به رهبری محمد به آن شبیخون زدند همه چیز را به غارت بردند و این خود نشان دهنده این است که اسلام به و سیله عقل‌های قدرت دار با دیدگاه مادی و حکومتی شکل گرفته و بنا یافته است. و بعداً که جنگ تبوک پیش آمد محمد لشکر زیادی جمع نمود تا در مقابل امپراتوری بیزانتین بجنگد. اما دولت امپراتوری آن‌ها را نادیده گرفته و اصلاً بر موجودیت آن‌ها و آمادگی شان به جنگ اعتنائی نکرد و محمد بعد از ۲۵ روز انتظار دو باره به مدینه باز گشت و به چپاول قریه جات و قصبات سر راه پرداخته با جمع آوری مال زیاد و اسیران که شامل زنها و مردها و بچه‌های خورد سال بود بر ذخایر خود افزود.

با در نظر داشت ماهیت و دساتیر آیات مکی در زمان بی قدرتی محمد و آیات خشن مدنی در باره عمل کرد‌های محمد نشان دهنده این بهره برداری مالی از موجودیت اسلام است. فراری ساختن قبیله‌های یهودی نشین از مدینه توسط محمد و دار و دسته اش که شرح آن در نوشته‌های گذشته رفت خود نمایانگر قدرت طلبی اقتصادی و بعداً سیاسی و در اخیر دینی محمد را آشکار می‌سازد نه اینکه خدا را چگونه باید پرستید؟؟ و همچنان در برابر زندگی خانوادگی محمد و روش اجتماعی او می‌بینیم گه چگونه آیات الهی تقویه کننده اعمال محمد بوده و الله مطرح شده محمد در قرآن تنها موجودی است که حتی در نوبت زنا شویی محمد هم مداخله و تا کشتار یهودیان و قطع نخل‌های آنان دساتیر صادر نموده است و تا آن جایی که می‌توان در بحث شان نزول آیات قرآن تمرکز نمود می‌بینیم که همه مطابق میل محمد و رهبران اسلامی تحلیل شده و رواج یافته است و آنجا که محمد احتیاج به ثبوت و به حق جلوه دادن موضوع مطروحه خودش داشته آیاتی نازل و به نام اینکه الله چنین امر فرموده با پشتوانه ای خدا ئی تطبیق و تحمیل گردیده است.

در نوشته‌های قبلی از این نوع آیات کمکی محمد زیاد آورده شده است و همچنان پشتیبانی الله در مورد رفع

ضرورت‌های پایان بدنی محمد تذکراتی بر مبنای آیات قرآن داده شده است که این همه تشریحات برای هموطنانی بوده و خواهد بود که با دل صاف و خوش باوری های عجیب هنوز هم دنباله رو محمد و بقیه تا جبران دینی هستند و من تأسف دارم به آن هم وطنی که بعد از ۱۴۰۰ سال هنوز به این همه خرافات توجه ننموده و همه جنایات و آدمکشی های محمد و دنباله روان آن را به دیده احترام دیده و می بینند غافل از این که طرف قربان شده مثل من و تو آدم و زنده بوده و خانواده داشتند می خواستند آزادانه زندگی با شرافت داشته باشند و بد بختی این است. که آن‌ها همه آباء و اجداد من و تو بوده‌اند و ما بدبختانه آنقدر عقب نگهداشته شده‌ایم که قاتلین آباء و اجداد خود را احترام و زیارت می کنیم. بد بخت هستیم و بیگانه پرست. آخر نمی دانم تا چه وقت این وضع دوام پیدا خواهد نمود؟؟؟ و تا چه وقت ما اجنبی پرست و دنباله رو خرافات خواهیم رفت که اساساً و اصلاً مفهوم ندارد؟؟ بیا هموطن بیدار شو و از خواب غفلت بیرون آی.

محمد در قرآن از قول خدا میگوید :

"خدا و فرشتگانش بر روان پاک این پیامبر صلوات و درود می فرستند شما هم ای اهل ایمان بر او سلام و درود بفرستید و با تعظیم و اجلال بر او سلام گوئید" (آیت ۵۶ سوره الاحزاب) فکر می کنم همین کفایت کند تا ما خود - راه و روش زندگی خود را با اعتقاداتی که با آن پیوند خورده ایم درک نکنیم و خود رهنمای خود نباشیم. به سر منزل مقصود که ایجاد اجتماع انسانی بدون خرافات است نخواهیم رسید.

عجالتاً این سلسله نوشته ها به همین جا پایان می‌یابد و تا دو باره از سر گرفتن مسایل فوق در آینده نزدیک به حملات خلفای راشدین - و جنگ آوران عرب و چپاول و تاراج دارائی های ملل دیگر من جمله کشور عزیز خود ما و کتاب سوزی اعراب و دیگر مسایل اسلامی و قرآنی برای روشن شدن حقایق نهفته خواهیم پرداخت.

ادامه دارد